



تصور همکاری چین-آمریکا درباره هسته‌های ایران ممکن نیست

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در خصوص نقش چین در معادلات جهانی بر این باور است که تصور همکاری چین-آمریکا در زمینه موضوعات مختلف جهانی و از جمله برنامه هسته‌های ایران غیر ممکن است...

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در خصوص نقش چین در معادلات جهانی بر این باور است که تصور همکاری چین-آمریکا در زمینه موضوعات مختلف جهانی و از جمله برنامه هسته‌های ایران غیر ممکن است.

به گزارش فارس، مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا در مقاله‌ای از مصاحبه با "کارلوس فریمین" مسئول بخش مطالعات چین در این مرکز بهره جسته و به بررسی رابطه چین و آمریکا و تاثیر آن در برخورد با برنامه هسته‌های ایران پرداخته است. "کارلوس فریمین" متولد سال 1943، دیپلمات آمریکایی است که طی 30 سال گذشته در بخش‌های مختلف وزارت امور خارجه و دفاع آمریکا فعالیت داشته و از سوابق وی می‌توان به سفیر آمریکا در عربستان در زمان جنگ خلیج فارس اشاره کرد. این مقاله که شامل مصاحبه با فریمین است این گونه آغاز می‌شود که تلاش‌های مخفیانه ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای به چالشی بزرگ در سیاست خارجه دولت "باراک اوباما" تبدیل شده است.

سال گذشته آمریکا اعلام کرد ایران باید تا پایان ماه دسامبر 2009 تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند. آمریکا تهدید کرده بود که در غیر این صورت مجبور می‌شود از تحریم‌های اقتصادی جدیدی علیه ایران استفاده کند.

ضرب الاجل اعلام شده توسط آمریکا به پایان رسید و به دلیل ترمز چین، احتمال اعمال تحریم‌های جدید، در آینده نزدیک علیه ایران بسیار کم است. در تاریخ 5 ژانویه 2010 نماینده چین در سازمان ملل با اعلام اینکه در حال حاضر زمان و موقعیت مناسبی برای اعمال تحریم‌های جدید نیست به خاطر اینکه تلاش‌های دیپلماتیک ادامه دارد توانست جلوی تلاش آمریکا را برای جلب حمایت سازمان ملل برای تحریم‌های جدید علیه ایران را بگیرد.

بن بست به وجود آمده بین پکن و واشنگتن در مساله ایران نه تنها نشان‌گر وجود اختلاف در منافع دو کشور در این زمینه است بلکه نشان می‌دهد رویکرد سیاست خارجی این دو کشور در مسائل جهانی و همچنین روابط دوجانبه دیپلماتیک متفاوت است.

سوال- آیا چین کاملاً به خاطر منافع خود با تحریم‌های اقتصادی مخالفت می‌کند؟
جواب- چین روابط اقتصادی گسترده‌ای با ایران دارد. ارزش مبادلات بین دو کشور در سال 2008 چیزی حدود 27 میلیارد دلار بوده است و ایران در سال گذشته حدود 408 هزار بشکه در روز، نفت به چین نفت صادر کرده است.

در حالی که شرکت‌های انرژی غربی به خاطر تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در حاشیه قرار گرفته‌اند، شرکت‌های چینی توانسته‌اند تا جایگزینی برای این شرکت‌ها باشند. در ماه می سال 2009 در کنفرانسی که در تهران برگزار شد، شرکت‌های چینی قراردادهایی را به ارزش 17 میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری و توافقات تجاری امضا کردند. برای چین روابط تجاری به طور مشخص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این کشور تمایلی برای به خطر انداختن سرمایه‌گذاری‌هایش در ایران ندارد ولی این تنها عاملی نیست که باعث عدم همکاری چین با آمریکا شده است.

روابط خارجی چین دارای دو محور اصلی است که این دو اصل بر اساس الویت‌های داخلی به وجود آمده است: اول اینکه چین از ایجاد فضای بین‌المللی با ثبات در جهان حمایت می‌کند. جهانی با ثبات و به دور از بحران بهترین عامل برای توسعه اقتصادی چین است. به این صورت به نظر می‌رسد پکن بیشتر به دنبال پیشبرد مذاکرات دیپلماتیک است تا از این طریق بتواند روابط صمیمانه خود را با کشورهای دیگر حفظ کند به همین خاطر خود را وارد تنش‌های بین‌المللی نمی‌کند.

دوم اینکه چین از دنبال کردن سیاست‌های بین‌المللی که منجر به مداخله در حاکمیت کشورهای دیگر شود دوری می‌کند. این اقدام چین به منظور جلوگیری از هر گونه مداخله بین‌المللی در مساله تایوان، تبت و سین کیانگ است. به همین خاطر چین منافع رو به رشد اقتصادی خود را در ایران مخفی نگه می‌دارد و تمایل بسیار کمی برای اعمال تحریم علیه ایران دارد.

سوال- آیا دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای باعث بی‌ثباتی جامعه بین‌المللی می‌شود به صورتی که بر خلاف منافع چین باشد؟
جواب- بله دقیقاً. چین حمایت خود را از برنامه صلح آمیز هسته‌های ایران اعلام کرده است ولی از سوی دیگر هم از برخی تحریم‌های شورای امنیت علیه غنی‌سازی اورانیوم در ایران حمایت کرده است. چین به نفع قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به موجب آن ایران ملزم به همکاری کامل با آژانس برای شفاف نمودن فعالیت‌های هسته‌ای‌اش می‌شد، رای داد. این اقدام چین باعث موضع‌گیری وزیر امور خارجه ایران شد.

با این وجود برخی از شرکت‌های چینی با اجازه و یا بدون اجازه پکن، با انتقال تکنولوژی و موادی که استفاده دوگانه دارند به برنامه هسته‌ای ایران کمک می‌کنند. کارشناسان سیاست خارجی چین از تاثیر منفی برنامه هسته‌ای ایران در تلاش‌های چین برای حفظ جامعه جهانی با ثبات نگران نیستند.

خیلی‌ها در پکن از تاثیر سیاسی دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای ایران نگرانند. نگرانی این دسته از چینی‌ها به دلیل احتمال تلاش‌های اسرائیل برای از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای ایران است، که این می‌تواند به شدت به بی‌ثباتی جامعه جهانی منجر شود. علت دیگر این نگرانی‌ها انگیزه شدید عربستان سعودی برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در واکنش به ایران است. از سویی دیگر صادرات انرژی عربستان به بسیار بیشتر از میزانی است که ایران به چین صادر می‌کند و نگرانی عربستان درباره تلاش‌های هسته‌ای ایران می‌تواند برای چین ایجاد خطر کند.

هر چند برخلاف قدرت رو به رشد چین در مسائل جهانی، رهبران این کشور مسئولیتی را برای برقراری و حفظ ثبات جهانی قبول نکرده است. در واقع چین به یک اصل قدیمی، که چین نباید به یک رهبر جهانی تبدیل شود، پایبند است و بیشتر بر این مساله تمرکز می‌کند و به دقت به دنبال منافع خود است. در این خصوص چین ایران هسته ای را به عنوان تهدیدی مستقیم علیه خود نمی‌داند. و از آنجایی که چین خود را مسئول برقراری نظم در جهان نمی‌داند چالش امنیتی ایران هسته‌ای در الویت پایین تری برای چین قرار دارد تا برای واشنگتن.

سوال- موضع چین در قبال برنامه هسته‌ای ایران چه مفهومی برای روابط چین-آمریکا دارد؟

جواب- طی سال 2009 و به خصوص طی دیدارهای ماه فوریه "هیلاری کلینتون" وزیر امور خارجه آمریکا از پکن، گفتگوهای اقتصادی و استراتژیک چین و آمریکایی در ماه جولای و دیدار "بارک اوباما" از پکن در ماه نوامبر، دیدار اوباما تنها به منظور تمرکز بر مسائل دو جانبه نبود بلکه برای مطرح کردن موضوع همکاری و شراکت دو کشور برای رسیدگی به مسائل مهم جهانی بود.

برخی تحلیلگران روابط چین و آمریکا را به عنوان گروهی مستقل نگاه می‌کنند که می‌توانند به کمک هم راه‌حل‌هایی برای مقابله با چالش‌های بزرگ جهانی بیابند از بخش انرژی و تغییرات آب و هوایی گرفته تا تکثیر سلاح‌های هسته‌ای.

تا اینجا بعد از درگیری‌های بوجود آمده در اجلاس کپنهاک در دسامبر سال گذشته، تلاش‌هایی بی نتیجه برای ممانعت از فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی و وضعیت دیپلماتیک بغرنج در مساله ایران، ناظران سیاسی در حال حاضر از ایجاد یک گروه مستقل شامل دو کشور چین و آمریکا ناامیدند و احتمالی برای توافق بین دو کشور بر سر مسائل استراتژیک بزرگ بین المللی متصور نیستند. مجموعه‌ای از چالش‌های دو جانبه از حساسیت‌های اجتناب ناپذیر طی رکود اقتصادی در یک سال و اختلاف نظرها بر سر مساله تبت و تایوان و حضور و نظارت آمریکا در دریای جنوب چین و سایر مسائلی که به مشکلات دوجانبه بین آمریکا و چین مانند مسائل امنیتی، اقتصادی مرتبط می‌شود باعث خواهد شد واشنگتن و پکن را در سال 2010 به خود مشغول کند.

نویسنده این مقاله در پایان تاکید می‌کند: برخی تحلیلگران سیاسی در چین اعتقاد دارند که ایرانی قدرتمند می‌تواند به عنوان وزنه تعادلی در منطقه در مقابل آمریکا عمل کند یعنی در مقابل تسلط آمریکا در غرب آسیا که ممکن است نظرات آنها بر ذهن تصمیم گیران سیاسی تاثیر گذا باشد. گرچه روابط خوب چین و آمریکا در روابط چین مساله مهمی تلقی می‌شود اما به نظر می‌رسد در سیاست خارجی این کشور اصطحکاک بین آمریکا و چین بر سر مساله ایران ادامه داشته باشد.

در نتیجه تصور همکاری دو کشور بر سر این موضوع یا هر موضوع جهانی بزرگ دیگری به نظر می‌رسد که اجرایی نباشد.